



روشن ساختن دوست و رفیق

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) «اِخْتَبِرُوا إِخْوَانَكُمْ بِصَلَاتَيْنِ فَإِنَّ كَاتِبَاتَهُنَّ فِيهِمْ وَ إِلَى فَأَعْرَبَ ثُمَّ اعْرَبَ ثُمَّ اعْرَبَ مَحَافَظَةَ عَلَى الصَّلَوَاتِ فِي مَوَاقِفِهَا وَ الِبرِّ بِالْإِخْوَانِ فِي الرَّعْرِ وَ النَّبْرِ وَ النَّبْرِ» (صالح(ع) فرمود: دوستانتان را با او خصلت بیازمایید، اگر آن دو را داشتند با آنان رفاقت کنید و الا از آنان دوری کنید، دوری کنید، دوری کنید؛ محافظت بر نماز اول وقت و نیکی به دوستان در گشاده دستی و تنگ دستی.»<sup>[۱]</sup>

فی الکافی، عن الصادق (علیه‌السلام): «اِخْتَبِرُوا الْاِخْوَانَكُمْ بِصَلَاتَيْنِ». اخوان، منظور مطلق معاشرین، علی‌الظاهر نیست. یعنی آن کسانی که می‌خواهید به‌عنوان برادران خود و افرادی که با آنها صداقت دارید، افراد نزدیک، کسانی را که به این عنوان می‌خواهید انتخاب کنید، این دو صفت را در آنها حتماً ملاحظه کنید. «فان کاتبنا فیهم»؛ اگر این دو صفت در آنها بود، چه بهتر؛ و الاً فاعرب ثم اعرب ثم اعرب. عَرَبَ یعنی فاصله گرفتن، از آنها رو پوشاندن. «املئ» «لايعرب عنه مثقال ذرة»<sup>[۲]</sup> که در قرآن کریم هست. دوری کنید از آنها. از آنها رو ببوشانید و دوری کنید.

این دو صفت چیست؟ «محافظه علی‌الصلوات فی مواقیتها». یکی این که محافظ نماز باشند. در مواقیف، لابد مراد مواقیف فضیلت است؛ و الاً مطلق مواقیف اگر مورد نظر باشد، ولو آخر وقت، که اگر کسی نکند این کار را فاسق است. می‌خواهند بفرمایند که اهل نماز در وقت خود باشد، یعنی وقت فضیلت. مرحوم آقای بهجت (رضوان‌الله علیه) –که املأ مکر این را از ایشان ما شنیدیم، هم خودمان شنیدیم، هم بالواسطه دیگران هم نقل کردند– می‌گفتند استادشان – علی‌الظاهر مرحوم آقای قاضی مثلاً – به ایشان گفتند که اگر کسی نماز اول وقت را مراعات نکند، من ضامنم برای نجات او، یا برای مثلاً رسیدن او به درجات بالا. بنده یک وقت از ایشان پرسیدم که لابد نماز خوب دیگر؟ گفتند: خب، بله؛ نماز درست و حسابی با توجه، در اول وقت، اگر این را کسی مراعات نکند، این خودش یک عاملی است که انسان را عروج می‌دهد و به مراتب بالای توحیدی می‌رساند. یکنی این: «البرِّ فی الاخوان فی العسر و البسر» –صفت دوم هم یک صفت اجتماعی است. اولی صفت فردی بود، بینه و بین‌الاهل بوده این دومی بینه و بین القاصی است. کسی باشد که صفتش این باشد، که به برادرانش نیکی می‌کند؛ هم در عسر، هم در بسر. حالا این عسر و بسر، چه عسر و بسر خود انسان، ولو در عسر هم باشد، سختی هم باشد، بالاخره کمک می‌کند؛ حالا تنگدستی دارد، مالی ندارد که کمک کند، اما می‌تواند تسلا بدهد، با زبان کمک کند، با ابرو کمک کند، هم ممکن است مراد عسر و بسر خود این کمک‌کننده باشد، هم عسر و بسر آن کمک شونده باشد؛ چون بعضی‌ها هستند، حاضرند به انسان کمک کنند، وقتی که حال انسان خوب است، وقتی اقبال به سمت کسی هست، حاضرند به او کمک کنند؛ محبت می‌کنند، کمک می‌کنند، به مجرد اینکه اقبال از او رو برگرداند، اینها هم رو برمی گردانند. وقتی که اقبال از او ادبار کرد، اینها هم ادبار می‌کنند. نه، اینجور نباشد؛ در همه حالات برادرش را به او کمک کند و نیکی کند.

✽ شرح حدیث در ابتدای درس خارج، ۱۳۱۱/۸۹/۱

۱) الشافی، ص ۶۵۲

۲) س۳: ۱۰

✽ پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای

## با خورشید انقلاب (خاطراتی از رهبر معظم انقلاب)

## استفاده از گوشت یخ‌زده و برنج کوبنی

اوایل ریاست‌جمهوری رهبر معظم انقلاب بود که خدمت ایشان رسیدیم، دو نکته برای من بسیار قابل توجه بود، اول اینکه ایشان اظهار داشتند که از همان گوشت یخ‌زده و برنج کوبنی که سایر مردم استفاده می‌کنند، می‌خرند نکته دیگری اینکه تنها در یکی از اتاق‌هایشان قالی نخ‌نمایی پهن بود که آن هم چیزیه همسرشان بود و حتی پیشینه‌ها خانواده همسرشان مبنی بر تعویض فرش را نیز پذیرفته بودند، در حالی که خانواده همسرشان از تجار فرش بودند.

✽ آیت‌الله مصباح یزدی، رئیس موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) در جمع همسران کارمندان و دانش‌پژوهان این موسسه، رنجانوز شش‌شنبه، ۲۱ دی‌ماهپشت ۱۳۹۳، ۱۵۳۰.

## استفء از رهبر معظم انقلاب اسلامی

### وضعیت انگشتان در سجده

(س) آیا در سجده، انگشتان نیز جزئی از کف دست محسوب می‌شود و لازم است بر زمین قرار گیرند؟

کف دستش به گونه‌ای بر روی زمین گذاشته‌شود که عرفاً صدق کند تمامی کف دست روی زمین است.

### رعایت قبله بر نماز مستحب

(س) آیا در خواندن نمازهای مستحب واجب است که رو به قبله باشیم؟

ح در نمازهای مستحبی نیز باید رو به قبله بود مگر اینکه نمازگزار در حال حرکت باشد، مثل اینکه در حال راه رفتن یا در حال حرکت ماشین نماز بخواند.

### دوچرخه‌سواری بانوان

(س) حکم دوچرخه‌سواری برای بانوان چیست؟
(ج) دوچرخه‌سواری زنان در مجتمع عمومی و نیز در جایی که در معرض دید نامرح است، جایز نیست.

(س) کیفیت تطهیر موکت چسبیده به زمین چگونه است؟
(ج) بعد از زوال عین نجاست، آب لوله‌را به جای نجس وصل کند به گونه‌ای که همه آن محل را فرا گیرد و بنا بر احتیاط واجب با جابه‌جا شدن آب در حین اتصال به کر هرچند با فشار آب و با دست کشیدن، پاک می‌شود.

### حضور کودکان در مسجد

(س) آیا برندن بچه‌های کوچک به مسجد کراهت دارد؟
(ج) وارد دادن بچه به مسجد اگر به گونه‌ای باشد که موجب مزاحمت برای نمازگزاران باشد یا احتمال دهد که نمازگزاران نقش کم‌مکروه است و در غیر این دو صورت اگر باعث علاقه‌مندی آنان به مسجد و نماز شود مستحسن و نیکو است.

### عدم تخلیه ملک پس از پایان اجاره

(س) اگر کسی ملکی را اجاره کرد و پس از مدت تعیین شده تخلیه نکرد، چه حکمی دارد؟

(ج) بدون اجازه مالک، بعد از مدت اجاره، حکم غضب را دارد.

**در مطلب حاضر به این شبهه پاسخ داده شده که چرا جوامع غربی با وجود عدم التزام به تقوا و تقیدات شرعی، از نعمت ها و برکات فراوان بر خور دارند اما کشورهای اسلامی با وجود تقوای ظاهری و عمل به احکام دینی و رعایت ارزش های مذهبی در غم و مشکلات دست و پا می‌زنند.**

شبهه: خداوند متعال در آیه ۹۶ سوره اعراف می‌فرماید: «لَوْ اَنَّ اَهْلَ الْفَرِّی اَمَنُوا وَ اتَّقُوا لَفَتَحْنَا عَلَیْهِمْ بَرَکَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْاَرْضِ وَ لَکنْ کَذَّبُوا فَاَخَذْنَاهُمْ بِمَا کَانُوا یَکْسِبُوْنَ» و اگر اهل آبادی‌ها ایمان آورند و تقوا پیشه کنند، هر آینه برکت‌هایی از آسمان و زمین بر آنها می‌گشودیم ولیکن آیات ما را تکذیب کردند و در نتیجه ما هم آنان را به گناھاتی که خود کردند، گرفتہ و هلاکشان کردیم» با توجه به این سخن، چگونه است که در بسیاری از مناطق زمین، از چنین تقوایی خبری نیست، اما بهره‌مند از نعمت و نزولات و برکات زمینی و آسمانی هستند؟

**نقد و بررسی:**

**مقدمه:**

یکی از شبهات و پرسش‌هایی که گاه با ملاحظه برخی آیات قرآن مطرح می‌شود، این است که اگر ملاک نزول برکات و بارش نعمت‌های الهی بر جوامع،

**در مطلب حاضر به این شبهه پاسخ داده شده که چرا جوامع غربی با وجود عدم التزام به تقوا و تقیدات شرعی، از نعمت ها و برکات فراوان بر خور دارند اما کشورهای اسلامی با وجود تقوای ظاهری و عمل به احکام دینی و رعایت ارزش های مذهبی در غم و مشکلات دست و پا می‌زنند.**

## پیشرفت علمی و تکنولوژیک اگر توأم با معنویت، رعایت اخلاق الهی و پاسداشت عدالت و حقوق انسان‌ها نباشد، نه تنها خیر و برکت نیست که خود عاملی برای بحران‌های اجتماعی و انسانی است؛ هرچند ممکن است فکرهاى ظاهربین و عقل‌های ناتوان، آن را خیر و خوشبختی تلقی کنند.



**سوره اعراف، آیه ۹۶**

اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان آورده و تقوا پیشه می‌کردند قطعا برکات آسمان و زمین را برایشان می‌گشودیم.

میزان ایمان و رعایت تقوا و تحفظ بر احکام و ارزش‌های دینی است، پس چرا کشورهای غربی با عدم رعایت این مسائل، از برکات آسمانی و زمینی بسیاری برخوردارند ولی کشورهای اسلامی، که ظاهراً در مراقبت بر احکام دینی و رعایت تقوا و دارا بودن ایمان پیش قدم هستند، نه تنها از بسیاری از این برکات محرومند که به انواع مشکلات و نابسامانی‌ها گرفتار و در رنجند! ریشه و منشأ این گونه شبهات و پرسش‌ها عدم دقت و فهم اصطلاحات و مفاهیم قرآنی از یک سو و نبودن نگاه جامع به همه ملاک‌ها و عوامل خوشبختی یا بدبختی جوامع و نیز در اختیار نداشتن ملاک های صحیح برای محک زدن این دو وضعیت است، به عبارت دیگر از یک طرف معنای واژه‌های ایمان، تقوا، برکات، وقتی الهی، رضایت‌الهی،سپری‌ما بدرستی روشن نیست و مصادیق جامع آنها را در نظر نمی‌آوریم و از سوی دیگر با توجه به برخی از آموزه‌های دینی و غفلت از دیگر آموزه‌ها، می‌پردازیم که مثلا ملاک نیکبختی یک جامعه تنها در برپایی شعائر چون نماز و روزه و استکاف و عزاداری و خلاصه می‌شود. از جانب دیگر وقتی می‌خواهیم ببینیم یک کشور یا جامعه حقیقتا دارای برکات و خوشبختی است یا نه، اغلب به پارای از ملاک‌های ظاهری، مانند نزول باران، زمین‌های حاصلخیز، سود ناخالص ملی و…تمسک کرده و از ملاک‌های مهمتر و حیاتی‌تر غفلت می‌کنیم. با این مقدمه به سراغ تبیین آموزه مورد بحث قرآن می‌رویم. علامه طباطبایی در جلد ۸ المیزان، در تفسیر آیه مذکور می‌فرماید:

مقصود از «برکات»، انواع خیر کثیر است. استفاده از واژه برکات، استعاره بالکنایه است. برکات به مجاری که از آن، نعمت‌ها جریان دارد، تشبیه شده است، لکن این مجاری مسدود است و چون مردم ایمان آورند، بر آنها جریان شده و اید و از باران و برف و حرارت و برودت و مقدار نافع و برکات از نبات و ثمرات و امنیت، دال بر این است که افتتاح برج‌های برکات، به مناظر ایمان و تقوا در میان مردم بستگی دارد.

بنابراین، آنچه ضامن سعادت جمع و رفاه واقعی و برکت اقتصادی جامعه است، تقوا (به معنای حقیقی و جامع آن) است. از این رو تکنولوژی و صنعت منهای ایمان، سیاست مالی و اقتصادی بدون تقوا، استثمار ملل ضعیف، منفعت‌طلبی و امثال اینها، موجب رفاه واقعی و نزول برکات نیست؛ گرچه ممکن است سبب جمع ثروت و برکت، تنها ثروت و تنم مادی و رفاه نسبی، ثروت و امکانات مادی،

و امثال اینها، موجب رفاه واقعی و نزول برکات نیست؛ گرچه ممکن است سبب جمع ثروت و برکت، تنها ثروت و تنم مادی و رفاه نسبی، ثروت و امکانات مادی، زمانی خیر و برکت است که در پیشبرد اهداف عالیه انسانی و ارتقای همه‌جانبه جامعه به کار رود و انسانیت، اخلاق، مساوات، برابری، برادری و عواطف را زنده نگه دارد.

### براساس آیات قرآن، گفتار پیشوایان دین، تجارب تاریخی و حتی روزمره انسان، رفاه و تنعم بدون رعایت تقوا و اخلاق و همراهی فضائل انسانی، نه تنها موجب آسایش و خوشبختی انسان‌ها نیست که خود وسیله رنج‌ها و گرفتاری‌ها و مقدمه عذاب‌ها و کيفرهای گوناگون دنیایی و آخرتی است.مفاهیم ابتلا، استدراج، امهال، عذاب که هر کدام به سنتی از سنن الهی اشاره دارند، گویای همین حقیقتند که گاه رفاه مادی و حیوانی، عامل آژمایش، استدراج و کيفر انسان‌ها و جامعه‌ها می‌شود.

لذت واقعی زندگی نیست و چه بسا که سبب تضاد آفریده نسبت به هم و از بین رفتن عواطف ظریف انسان‌ها شود، جامعه را تنها در شکم‌پرستی و پول، غرق کند. ارزش‌های انسانی در آنجا افول نماید و ارزش‌های مادی جایگزین آن شود، چنانکه هر جا فرهنگ مدرنیته رسوخ کرده است، بیگانگی میان انسان‌ها عمیق‌تر و گسترده‌تر شده است. در جامعه‌ای که عقلایت مدرن، منهای ایمان به خدا، تقوا و رعایت حقوق انسان‌ها و اخلاق الهی دنبال شود، ممکن است برای بخشی از جامعه، رفاه حیوانی ایجاد شود اما لذت سعادت انسانی خبری نخواهد بود و ملل تحت سلطه و مستضعف و ستمدیده‌تر با بغض و کینه ملت مرفه کرده و دیر یا زود، به انفجار جامعه مادی از درون و مورد تهاجم قرار گرفتن از بیرون منتهی خواهد شد. چنانکه در مقدمه این نوشتار اشاره کردیم، آنچه در این بحث، ملاک است ایمان و تقوا، به معنای حقیقی و جامع آن است. ایمان یعنی باور به وجود خدای حکیم و مهربان و تلاش برای هماهنگ کردن خود با مشیت او و حرکت به سوی هدفی که همه هستی به سوی آن در تکاپوست. تقوا به معنای تخلق به همه فضائل است که انسان را برای چنین هماهنگی و قرب الی الله تربیت و آماده می‌کنند. واژه تقوا در ادبیات دینی، منحصر در ترک برخی گناهان و انجام پاره‌ای از فرائض نیست، بلکه کار، تلاش، سبب تمدن علم جویی ، حرکت و… در این مفهوم گنجده است. رفاه نسبی موجود در کشورهای غربی معلول کار و تلاش و به کار گرفتن ظرفیت‌های خداداد فکری و مادی و برهیز از تن‌آسانی و تنبلی است و البته مشکلات فراوان و پیچیده این جوامع هم به سبب دور شدن از آموزه‌های انبیا و غرق شدن در غلبت سودمحوران و لذت طلبانه است. در سویی که

درون و مورد تهاجم قرار گرفتن از بیرون منتهی خواهد شد. چنانکه در مقدمه این نوشتار اشاره کردیم، آنچه در این بحث، ملاک است ایمان و تقوا، به معنای حقیقی و جامع آن است. ایمان یعنی باور به وجود خدای حکیم و مهربان و تلاش برای هماهنگ کردن خود با مشیت او و حرکت به سوی هدفی که همه هستی به سوی آن در تکاپوست. تقوا به معنای تخلق به همه فضائل است که انسان را برای چنین هماهنگی و قرب الی الله تربیت و آماده می‌کنند. واژه تقوا در ادبیات دینی، منحصر در ترک برخی گناهان و انجام پاره‌ای از فرائض نیست، بلکه کار، تلاش، سبب تمدن علم جویی ، حرکت و… در این مفهوم گنجده است. رفاه نسبی موجود در کشورهای غربی معلول کار و تلاش و به کار گرفتن ظرفیت‌های خداداد فکری و مادی و برهیز از تن‌آسانی و تنبلی است و البته مشکلات فراوان و پیچیده این جوامع هم به سبب دور شدن از آموزه‌های انبیا و غرق شدن در غلبت سودمحوران و لذت طلبانه است. در سویی که

درون و مورد تهاجم قرار گرفتن از بیرون منتهی خواهد شد. چنانکه در مقدمه این نوشتار اشاره کردیم، آنچه در این بحث، ملاک است ایمان و تقوا، به معنای حقیقی و جامع آن است. ایمان یعنی باور به وجود خدای حکیم و مهربان و تلاش برای هماهنگ کردن خود با مشیت او و حرکت به سوی هدفی که همه هستی به سوی آن در تکاپوست. تقوا به معنای تخلق به همه فضائل است که انسان را برای چنین هماهنگی و قرب الی الله تربیت و آماده می‌کنند. واژه تقوا در ادبیات دینی، منحصر در ترک برخی گناهان و انجام پاره‌ای از فرائض نیست، بلکه کار، تلاش، سبب تمدن علم جویی ، حرکت و… در این مفهوم گنجده است. رفاه نسبی موجود در کشورهای غربی معلول کار و تلاش و به کار گرفتن ظرفیت‌های خداداد فکری و مادی و برهیز از تن‌آسانی و تنبلی است و البته مشکلات فراوان و پیچیده این جوامع هم به سبب دور شدن از آموزه‌های انبیا و غرق شدن در غلبت سودمحوران و لذت طلبانه است. در سویی که

درون و مورد تهاجم قرار گرفتن از بیرون منتهی خواهد شد. چنانکه در مقدمه این نوشتار اشاره کردیم، آنچه در این بحث، ملاک است ایمان و تقوا، به معنای حقیقی و جامع آن است. ایمان یعنی باور به وجود خدای حکیم و مهربان و تلاش برای هماهنگ کردن خود با مشیت او و حرکت به سوی هدفی که همه هستی به سوی آن در تکاپوست. تقوا به معنای تخلق به همه فضائل است که انسان را برای چنین هماهنگی و قرب الی الله تربیت و آماده می‌کنند. واژه تقوا در ادبیات دینی، منحصر در ترک برخی گناهان و انجام پاره‌ای از فرائض نیست، بلکه کار، تلاش، سبب تمدن علم جویی ، حرکت و… در این مفهوم گنجده است. رفاه نسبی موجود در کشورهای غربی معلول کار و تلاش و به کار گرفتن ظرفیت‌های خداداد فکری و مادی و برهیز از تن‌آسانی و تنبلی است و البته مشکلات فراوان و پیچیده این جوامع هم به سبب دور شدن از آموزه‌های انبیا و غرق شدن در غلبت سودمحوران و لذت طلبانه است. در سویی که

درون و مورد تهاجم قرار گرفتن از بیرون منتهی خواهد شد. چنانکه در مقدمه این نوشتار اشاره کردیم، آنچه در این بحث، ملاک است ایمان و تقوا، به معنای حقیقی و جامع آن است. ایمان یعنی باور به وجود خدای حکیم و مهربان و تلاش برای هماهنگ کردن خود با مشیت او و حرکت به سوی هدفی که همه هستی به سوی آن در تکاپوست. تقوا به معنای تخلق به همه فضائل است که انسان را برای چنین هماهنگی و قرب الی الله تربیت و آماده می‌کنند. واژه تقوا در ادبیات دینی، منحصر در ترک برخی گناهان و انجام پاره‌ای از فرائض نیست، بلکه کار، تلاش، سبب تمدن علم جویی ، حرکت و… در این مفهوم گنجده است. رفاه نسبی موجود در کشورهای غربی معلول کار و تلاش و به کار گرفتن ظرفیت‌های خداداد فکری و مادی و برهیز از تن‌آسانی و تنبلی است و البته مشکلات فراوان و پیچیده این جوامع هم به سبب دور شدن از آموزه‌های انبیا و غرق شدن در غلبت سودمحوران و لذت طلبانه است. در سویی که

درون و مورد تهاجم قرار گرفتن از بیرون منتهی خواهد شد. چنانکه در مقدمه این نوشتار اشاره کردیم، آنچه در این بحث، ملاک است ایمان و تقوا، به معنای حقیقی و جامع آن است. ایمان یعنی باور به وجود خدای حکیم و مهربان و تلاش برای هماهنگ کردن خود با مشیت او و حرکت به سوی هدفی که همه هستی به سوی آن در تکاپوست. تقوا به معنای تخلق به همه فضائل است که انسان را برای چنین هماهنگی و قرب الی الله تربیت و آماده می‌کنند. واژه تقوا در ادبیات دینی، منحصر در ترک برخی گناهان و انجام پاره‌ای از فرائض نیست، بلکه کار، تلاش، سبب تمدن علم جویی ، حرکت و… در این مفهوم گنجده است. رفاه نسبی موجود در کشورهای غربی معلول کار و تلاش و به کار گرفتن ظرفیت‌های خداداد فکری و مادی و برهیز از تن‌آسانی و تنبلی است و البته مشکلات فراوان و پیچیده این جوامع هم به سبب دور شدن از آموزه‌های انبیا و غرق شدن در غلبت سودمحوران و لذت طلبانه است. در سویی که

درون و مورد تهاجم قرار گرفتن از بیرون منتهی خواهد شد. چنانکه در مقدمه این نوشتار اشاره کردیم، آنچه در این بحث، ملاک است ایمان و تقوا، به معنای حقیقی و جامع آن است. ایمان یعنی باور به وجود خدای حکیم و مهربان و تلاش برای هماهنگ کردن خود با مشیت او و حرکت به سوی هدفی که همه هستی به سوی آن در تکاپوست. تقوا به معنای تخلق به همه فضائل است که انسان را برای چنین هماهنگی و قرب الی الله تربیت و آماده می‌کنند. واژه تقوا در ادبیات دینی، منحصر در ترک برخی گناهان و انجام پاره‌ای از فرائض نیست، بلکه کار، تلاش، سبب تمدن علم جویی ، حرکت و… در این مفهوم گنجده است. رفاه نسبی موجود در کشورهای غربی معلول کار و تلاش و به کار گرفتن ظرفیت‌های خداداد فکری و مادی و برهیز از تن‌آسانی و تنبلی است و البته مشکلات فراوان و پیچیده این جوامع هم به سبب دور شدن از آموزه‌های انبیا و غرق شدن در غلبت سودمحوران و لذت طلبانه است. در سویی که

خویش و به کار نداشتن ذهن‌ها و افکارشان عملاً باز دارند. تنعم و جمع ثروت، بدین گونه و از طریق ارتزاق از خون محرومان، راهی است که کشورهای به ظاهر مترقی پیموده و می‌پمایند.

**تنعم بدون تقوا، مقدمه عذاب الهی**
براساس آیات قرآن، گفتار پیشوایان دین، تجارب تاریخی و حتی روزمره انسان، رفاه و تنعم بدون رعایت تقوا و اخلاق و همراهی فضائل انسانی، نه تنها موجب آسایش و خوشبختی انسان‌ها نیست که خود وسیله رنج‌ها و گرفتاری‌ها و مقدمه عذاب‌ها و کيفرهای گوناگون دنیایی و آخرتی است. مفاهیم ابتلا، استدراج، امهال، عذاب که هر کدام به سنتی از سنن الهی اشاره دارند، گویای همین حقیقتند که گاه رفاه مادی و حیوانی، عامل آژمایش، استدراج و کيفر انسان‌ها و جامعه‌ها می‌شود.

قرآن کریم در تبیین سنت آزمایش انسان‌ها و امته‌ها چنین می‌فرماید:یقینا به سوی امته‌های پیش از تو رسولانی را فرستادیم، پس آنان را به انواع سختی‌ها و دشواری‌ها مبتلا ساختیم تا شاید خاضعانه به درگاه خداوند بازگردند. پس چه شد که وقتی گرفتار عذاب ما شدند متضرعانه توبه کردند ولی دل‌هاشان سخت شد و شیطان کارهاشان را برایشان زینت داد. پس چون آنچه از (نصایح و توصیه‌هایی که) به آنها یادآوری کردیم را فراموش کردند، ابتدا در‌های هر خیری را به رویشان گشودیم ولی هنگامی که (غافلانه) غرق شادمانی بودند و امر بر ایشان مستشبه می‌نمود، بناگاه آنان را (با کيفری سخت) گرفتیم (و هلاکشان کردیم)» (۲۱)

خداوند سبحانه در تبیین سنت امهال (مهلت دادن و سپس عذاب کردن) می‌فرماید: «فَإِذْ بَعَثْنَا فِي هَذِهِ الْأَعْيُنِ رَسُولًا مِّنْ ذَاتِ الْأَعْيُنِ مِثْلِهِمْ لِيَقُولَ لَكُمْ أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ مِن دُونِ اللَّهِ وَاللَّهُ يَخْتَارُ مَن يَشَاءُ لِيُخَلِّقَ مَا يَشَاءُ لِمَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» پس مرا با کسانی که قرآن را تکذیب می‌کنند واگذار کرد بزودی از آنجا که نمی‌دانند در استدراج‌اشان قرار می‌دهیم و به آنان مهلت می‌دهم (و سپس با عذایی سخت کيفرشان خواهیم داد) همانا نقشه من استوار و حساب‌شده است.

بنابر این پیشرفت علمی و تکنولوژیک اگر توأم با معنویت، رعایت اخلاق الهی

## بررسی چرایی بهره مندی غربی‌ها از نعمت‌ها و عقب‌ماندگی مسلمانان

## شرایط نزول

## برکات آسمان و زمین

میزان ایمان و رعایت تقوا و تحفظ بر احکام و ارزش‌های دینی است، پس چرا کشورهای غربی با عدم رعایت این مسائل، از برکات آسمانی و زمینی بسیاری برخوردارند ولی کشورهای اسلامی، که ظاهراً در مراقبت بر احکام دینی و رعایت تقوا و دارا بودن ایمان پیش قدم هستند، نه تنها از بسیاری از این برکات محرومند که به انواع مشکلات و نابسامانی‌ها گرفتار و در رنجند! ریشه و منشأ این گونه شبهات و پرسش‌ها عدم دقت و فهم اصطلاحات و مفاهیم قرآنی از یک سو و نبودن نگاه جامع به همه ملاک‌ها و عوامل خوشبختی یا بدبختی جوامع و نیز در اختیار نداشتن ملاک های صحیح برای محک زدن این دو وضعیت است، به عبارت دیگر از یک طرف معنای واژه‌های ایمان، تقوا، برکات، وقتی الهی، رضایت‌الهی،سپری‌ما بدرستی روشن نیست و مصادیق جامع آنها را در نظر نمی‌آوریم و از سوی دیگر با توجه به برخی از آموزه‌های دینی و غفلت از دیگر آموزه‌ها، می‌پردازیم که مثلا ملاک نیکبختی یک جامعه تنها در برپایی شعائر چون نماز و روزه و استکاف و عزاداری و خلاصه می‌شود. از جانب دیگر وقتی می‌خواهیم ببینیم یک کشور یا جامعه حقیقتا دارای برکات و خوشبختی است یا نه، اغلب به پارای از ملاک‌های ظاهری، مانند نزول باران، زمین‌های حاصلخیز، سود ناخالص ملی و…تمسک کرده و از ملاک‌های مهمتر و حیاتی‌تر غفلت می‌کنیم. با این مقدمه به سراغ تبیین آموزه مورد بحث قرآن می‌رویم. علامه طباطبایی در جلد ۸ المیزان، در تفسیر آیه مذکور می‌فرماید:

مقصود از «برکات»، انواع خیر کثیر است. استفاده از واژه برکات، استعاره بالکنایه است. برکات به مجاری که از آن، نعمت‌ها جریان دارد، تشبیه شده است، لکن این مجاری مسدود است و چون مردم ایمان آورند، بر آنها جریان شده و اید و از باران و برف و حرارت و برودت و مقدار نافع و برکات از نبات و ثمرات و امنیت، دال بر این است که افتتاح برج‌های برکات، به مناظر ایمان و تقوا در میان مردم بستگی دارد. بنابراین، آنچه ضامن سعادت جمع و رفاه واقعی و برکت اقتصادی جامعه است، تقوا (به معنای حقیقی و جامع آن) است. از این رو تکنولوژی و صنعت منهای ایمان، سیاست مالی و اقتصادی بدون تقوا، استثمار ملل ضعیف، منفعت‌طلبی و امثال اینها، موجب رفاه واقعی و نزول برکات نیست؛ گرچه ممکن است سبب جمع ثروت و برکت، تنها ثروت و تنم مادی و رفاه نسبی، ثروت و امکانات مادی، زمانی خیر و برکت است که در پیشبرد اهداف عالیه انسانی و ارتقای همه‌جانبه جامعه به کار رود و انسانیت، اخلاق، مساوات، برابری، برادری و عواطف را زنده نگه دارد.

بنابراین، آنچه ضامن سعادت جمع و رفاه واقعی و برکت اقتصادی جامعه است، تقوا (به معنای حقیقی و جامع آن) است. از این رو تکنولوژی و صنعت منهای ایمان، سیاست مالی و اقتصادی بدون تقوا، استثمار ملل ضعیف، منفعت‌طلبی و امثال اینها، موجب رفاه واقعی و نزول برکات نیست؛ گرچه ممکن است سبب جمع ثروت و برکت، تنها ثروت و تنم مادی و رفاه نسبی، ثروت و امکانات مادی، زمانی خیر و برکت است که در پیشبرد اهداف عالیه انسانی و ارتقای همه‌جانبه جامعه به کار رود و انسانیت، اخلاق، مساوات، برابری، برادری و عواطف را زنده نگه دارد.

بنابراین، آنچه ضامن سعادت جمع و رفاه واقعی و برکت اقتصادی جامعه است، تقوا (به معنای حقیقی و جامع آن) است. از این رو تکنولوژی و صنعت منهای ایمان، سیاست مالی و اقتصادی بدون تقوا، استثمار ملل ضعیف، منفعت‌طلبی و امثال اینها، موجب رفاه واقعی و نزول برکات نیست؛ گرچه ممکن است سبب جمع ثروت و برکت، تنها ثروت و تنم مادی و رفاه نسبی، ثروت و امکانات مادی، زمانی خیر و برکت است که در پیشبرد اهداف عالیه انسانی و ارتقای همه‌جانبه جامعه به کار رود و انسانیت، اخلاق، مساوات، برابری، برادری و عواطف را زنده نگه دارد.

بنابراین، آنچه ضامن سعادت جمع و رفاه واقعی و برکت اقتصادی جامعه است، تقوا (به معنای حقیقی و جامع آن) است. از این رو تکنولوژی و صنعت منهای ایمان، سیاست مالی و اقتصادی بدون تقوا، استثمار ملل ضعیف، منفعت‌طلبی و امثال اینها، موجب رفاه واقعی و نزول برکات نیست؛ گرچه ممکن است سبب جمع ثروت و برکت، تنها ثروت و تنم مادی و رفاه نسبی، ثروت و امکانات مادی، زمانی خیر و برکت است که در پیشبرد اهداف عالیه انسانی و ارتقای همه‌جانبه جامعه به کار رود و انسانیت، اخلاق، مساوات، برابری، برادری و عواطف را زنده نگه دارد.

بنابراین، آنچه ضامن سعادت جمع و رفاه واقعی و برکت اقتصادی جامعه است، تقوا (به معنای حقیقی و جامع آن) است. از این رو تکنولوژی و صنعت منهای ایمان، سیاست مالی و اقتصادی بدون تقوا، استثمار ملل ضعیف، منفعت‌طلبی و امثال اینها، موجب رفاه واقعی و نزول برکات نیست؛ گرچه ممکن است سبب جمع ثروت و برکت، تنها ثروت و تنم مادی و رفاه نسبی، ثروت و امکانات مادی، زمانی خیر و برکت است که در پیشبرد اهداف عالیه انسانی و ارتقای همه‌جانبه جامعه به کار رود و انسانیت، اخلاق، مساوات، برابری، برادری و عواطف را زنده نگه دارد.

بنابراین، آنچه ضامن سعادت جمع و رفاه واقعی و برکت اقتصادی جامعه است، تقوا (به معنای حقیقی و جامع آن) است. از این رو تکنولوژی و صنعت منهای ایمان، سیاست مالی و اقتصادی بدون تقوا، استثمار ملل ضعیف، منفعت‌طلبی و امثال اینها، موجب رفاه واقعی و نزول برکات نیست؛ گرچه ممکن است سبب جمع ثروت و برکت، تنها ثروت و تنم مادی و رفاه نسبی، ثروت و امکانات مادی، زمانی خیر و برکت است که در پیشبرد اهداف عالیه انسانی و ارتقای همه‌جانبه جامعه به کار رود و انسانیت، اخلاق، مساوات، برابری، برادری و عواطف را زنده نگه دارد.

### براساس آیات قرآن، گفتار پیشوایان دین، تجارب تاریخی و حتی روزمره انسان، رفاه و تنعم بدون رعایت تقوا و اخلاق و همراهی فضائل انسانی، نه تنها موجب آسایش و خوشبختی انسان‌ها نیست که خود وسیله رنج‌ها و گرفتاری‌ها و مقدمه عذاب‌ها و کيفرهای گوناگون دنیایی و آخرتی است.مفاهیم ابتلا، استدراج، امهال، عذاب که هر کدام به سنتی از سنن الهی اشاره دارند، گویای همین حقیقتند که گاه رفاه مادی و حیوانی، عامل آژمایش، استدراج و کيفر انسان‌ها و جامعه‌ها می‌شود.

لذت واقعی زندگی نیست و چه بسا که سبب تضاد آفریده نسبت به هم و از بین رفتن عواطف ظریف انسان‌ها شود، جامعه را تنها در شکم‌پرستی و پول، غرق کند. ارزش‌های انسانی در آنجا افول نماید و ارزش‌های مادی جایگزین آن شود، چنانکه هر جا فرهنگ مدرنیته رسوخ کرده است، بیگانگی میان انسان‌ها عمیق‌تر و گسترده‌تر شده است. در جامعه‌ای که عقلایت مدرن، منهای ایمان به خدا، تقوا و رعایت حقوق انسان‌ها و اخلاق الهی دنبال شود، ممکن است برای بخشی از جامعه، رفاه حیوانی ایجاد شود اما لذت سعادت انسانی خبری نخواهد بود و ملل تحت سلطه و مستضعف و ستمدیده‌تر با بغض و کینه ملت مرفه کرده و دیر یا زود، به انفجار جامعه مادی از درون و مورد تهاجم قرار گرفتن از بیرون منتهی خواهد شد. چنانکه در مقدمه این نوشتار اشاره کردیم، آنچه در این بحث، ملاک است ایمان و تقوا، به معنای حقیقی و جامع آن است. ایمان یعنی باور به وجود خدای حکیم و مهربان و تلاش برای هماهنگ کردن خود با مشیت او و حرکت به سوی هدفی که همه هستی به سوی آن در تکاپوست. تقوا به معنای تخلق به همه فضائل است که انسان را برای چنین هماهنگی و قرب الی الله تربیت و آماده می‌کنند. واژه تقوا در ادبیات دینی، منحصر در ترک برخی گناهان و انجام پاره‌ای از فرائض نیست، بلکه کار، تلاش، سبب تمدن علم جویی ، حرکت و… در این مفهوم گنجده است. رفاه نسبی موجود در کشورهای غربی معلول کار و تلاش و به کار گرفتن ظرفیت‌های خداداد فکری و مادی و برهیز از تن‌آسانی و تنبلی است و البته مشکلات فراوان و پیچیده این جوامع هم به سبب دور شدن از آموزه‌های انبیا و غرق شدن در غلبت سودمحوران و لذت طلبانه است. در سویی که

درون و مورد تهاجم قرار گرفتن از بیرون منتهی خواهد شد. چنانکه در مقدمه این نوشتار اشاره کردیم، آنچه در این بحث، ملاک است ایمان و تقوا، به معنای حقیقی و جامع آن است. ایمان یعنی باور به وجود خدای حکیم و مهربان و تلاش برای هماهنگ کردن خود با مشیت او و حرکت به سوی هدفی که همه هستی به سوی آن در تکاپوست. تقوا به معنای تخلق به همه فضائل است که انسان را برای چنین هماهنگی و قرب الی الله تربیت و آماده می‌کنند. واژه تقوا در ادبیات دینی، منحصر در ترک برخی گناهان و انجام پاره‌ای از فرائض نیست، بلکه کار، تلاش، سبب تمدن علم جویی ، حرکت و… در این مفهوم گنجده است. رفاه نسبی موجود در کشورهای غربی معلول کار و تلاش و به کار گرفتن ظرفیت‌های خداداد فکری و مادی و برهیز از تن‌آسانی و تنبلی است و البته مشکلات فراوان و پیچیده این جوامع هم به سبب دور شدن از آموزه‌های انبیا و غرق شدن در غلبت سودمحوران و لذت طلبانه است. در سویی که

درون و مورد تهاجم قرار گرفتن از بیرون منتهی خواهد شد. چنانکه در مقدمه این نوشتار اشاره کردیم، آنچه در این بحث، ملاک است ایمان و تقوا، به معنای حقیقی و جامع آن است. ایمان یعنی باور به وجود خدای حکیم و مهربان و تلاش برای هماهنگ کردن خود با مشیت او و حرکت به سوی هدفی که همه هستی به سوی آن در تکاپوست. تقوا به معنای تخلق به همه فضائل است که انسان را برای چنین هماهنگی و قرب الی الله تربیت و آماده می‌کنند. واژه تقوا در ادبیات دینی، منحصر در ترک برخی گناهان و انجام پاره‌ای از فرائض نیست، بلکه کار، تلاش، سبب تمدن علم جویی ، حرکت و… در این مفهوم گنجده است. رفاه نسبی موجود در کشورهای غربی معلول کار و تلاش و به کار گرفتن ظرفیت‌های خداداد فکری و مادی و برهیز از تن‌آسانی و تنبلی است و البته مشکلات فراوان و پیچیده این جوامع هم به سبب دور شدن از آموزه‌های انبیا و غرق شدن در غلبت سودمحوران و لذت طلبانه است. در سویی که

درون و مورد تهاجم قرار گرفتن از بیرون منتهی خواهد شد. چنانکه در مقدمه این نوشتار اشاره کردیم، آنچه در این بحث، ملاک است ایمان و تقوا، به معنای حقیقی و جامع آن است. ایمان یعنی باور به وجود خدای حکیم و مهربان و تلاش برای هماهنگ کردن خود با مشیت او و حرکت به سوی هدفی که همه هستی به سوی آن در تکاپوست. تقوا به معنای تخلق به همه فضائل است که انسان را برای چنین هماهنگی و قرب الی الله تربیت و آماده می‌کنند. واژه تقوا در ادبیات دینی، منحصر در ترک برخی گناهان و انجام پاره‌ای از فرائض نیست، بلکه کار، تلاش، سبب تمدن علم جویی ، حرکت و… در این مفهوم گنجده است. رفاه نسبی موجود در کشورهای غربی معلول کار و تلاش و به کار گرفتن ظرفیت‌های خداداد فکری و مادی و برهیز از تن‌آسانی و تنبلی است و البته مشکلات فراوان و پیچیده این جوامع هم به سبب دور شدن از آموزه‌های انبیا و غرق شدن در غلبت سودمحوران و لذت طلبانه است. در سویی که

درون و مورد تهاجم قرار گرفتن از بیرون منتهی خواهد شد. چنانکه در مقدمه این نوشتار اشاره کردیم، آنچه در این بحث، ملاک است ایمان و تقوا، به معنای حقیقی و جامع آن است. ایمان یعنی باور به وجود خدای حکیم و مهربان و تلاش برای هماهنگ کردن خود با مشیت او و حرکت به سوی هدفی که همه هستی به سوی آن در تکاپوست. تقوا به معنای تخلق به همه فضائل است که انسان را برای چنین هماهنگی و قرب الی الله تربیت و آماده می‌کنند. واژه تقوا در ادبیات دینی، منحصر در ترک برخی گناهان و انجام پاره‌ای از فرائ